



محمد شریف روشن یوسفی

# شهید مزاری و وحدت ملی در افغانستان

## مقدمه



وحدت و یکپارچگی در هر جامعه‌ای حائز اهمیت است و یکی از دغدغه‌های مهم همه اقشار آن را شکل می‌دهد. نخبگان و کارگزاران سیاسی، اندیشمندان و روشن‌فکران، فرهنگیان و فعالان اجتماعی و فرهنگی و توده‌های مردم، همه به نقش آن به عنوان عامل صلح و امنیت، پیشرفت و ترقی، تحرک و پویایی در جامعه واقف‌اند. این امر در جوامع چند قومی مثل افغانستان از اهمیت ویژه برخوردار است؛ اما بررسی تاریخ چند سده اخیر افغانستان نشان می‌دهد که وحدت و یکپارچگی به معنای واقعی کلمه و آن طور که باید، شکل نگرفته است. در این میان، در طول تاریخ شخصیت‌هایی به عنوان منادی وحدت و یکپارچگی ظهور کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به شهید عبدالعلی مزاری اشاره کرد. نگارنده، در حد مجال این نوشتار، ضمن بررسی مفهوم وحدت ملی، در پی دانستن این است که شهید مزاری در مورد وحدت ملی چه گفت که ملقب به شهید وحدت ملی شد.

## مفهوم وحدت ملی

وحدت در لغت به معنای انفراد (ابن فارس، ۱۴۱۶ق: ۹۰)، یگانه شدن، یکتایی و یگانگی و تنهایی به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۷: ۴۹۸۸)؛ اما مفهوم وحدت ملی علی‌الرغم کاربرد زیاد در نوشتار و گفتار نویسندگان، پژوهشگران و نخبگان سیاسی افغانستان، دارای تعریف مشخص و واحدی

نیست. این مفهوم در مقدمه قانون اساسی جدید افغانستان نیز به کار رفته است و یکی از دلایل و عوامل تصویب این قانون، تحکیم وحدت ملی خوانده شده است؛ این امر نشان می‌دهد که وحدت ملی در ادبیات سیاسی افغانستان از اهمیت خاص برخوردار است. به دلیل مشتق شدن واژه ملی از واژگان ملیت و ملت و برای روشن‌تر شدن مفهوم وحدت ملی، بایستی این واژگان را تعریف کرد. از این مفاهیم تعاریف متعدد ارائه شده است؛ اما مختصراً به چند تعریف اشاره صورت می‌گیرد.

جیمز بریس، ملیت را مردمی می‌داند که هنوز استقلال نیافته‌اند و خود را در یک مجموعه سیاسی مستقل یا آرزومند استقلال، سازمان داده‌اند. به نظر استالین، ملیت گروه‌بندی‌های سرزمینی است که در نتیجه درآمیزی قبیله‌ها و گروه‌های نژادی در دوره‌هایی از تاریخ شکل گرفته‌اند (عالم، ۱۳۷۳: ۱۵۳).

ملت یک پدیده تاریخی است که در واقع از وحدت ملیت‌ها شکل گرفته است. دانشمندان چون هانس کاهن، ارنست رنان، فردریک هرتس، فردریک شومان، مارکس، انگلس، لنین و استالین همه به این نظرند که ملت پدیده تاریخی و جامعه‌شناختی و ترکیبی است از گروه‌های نژادی و خویشاوندی، زبانی و عوامل عینی گوناگون که پس از فروپاشی جوامع برده‌داری و فئودالی، در دوره عصر جدید (۱۷۸۹-۱۴۹۲ م) و به ویژه پس از قرارداد وستفاليا (۱۶۴۸) پدیدار شده است (همان: ۱۵۴). به تعبیر دیگر ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که عامل پیوند آن یک فرهنگ و آگاهی

مشترک است؛ از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و احساس وحدت میان افراد متعلق به آن پدید می‌آید (آشوری، ۱۳۸۷: ۳۰۷). همچنین به رغم توافق نظر در مورد عناصر تشکیل دهنده ملت مثل فرهنگ، زبان و تاریخ مشترک، بر اساس سنت فکری انقلاب فرانسه، ویژگی اصلی یک ملت را حتی می‌توان فقط به وحدت در سازمان سیاسی خلاصه کرد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۱). این مفهوم (ملت) در بخشی از ماده چهارم قانون اساسی افغانستان این‌گونه تعریف شده است که: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند؛ ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد» (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲: ماده ۴).

بر اساس تعاریف ذکر شده از ملیت و ملت، به وضوح دیده می‌شود که می‌توان مفهوم وحدت ملی را به معنای ملت شدن معادل دانست و آن را به معنای باور و پذیرش همه ملیت‌ها و اقوام ساکن در افغانستان به عنوان صاحبان اصلی این سرزمین به کار برد.

در فصل جدید تاریخ افغانستان، نخبگان و کارگزاران سیاسی با درک نابسامانی‌های گذشته، همواره بر وحدت و یکپارچگی ملت تأکید کرده‌اند تا جایی که برای تبیین بهتر آن در جامعه، سراغ اندیشه‌های شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخی در همه اقوام رفته‌اند تا وحدت، همدلی و برادری را در افغانستان نهادینه سازند. به عنوان نمونه یکی از اهداف ملقب شدن شهید عبدالعلی مزاری به عنوان «شهید وحدت ملی» در فرمان شماره ۱۶۱ مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۱ رئیس جمهوری تحکیم وحدت ملی خوانده شده است. مسلماً تقدیر و ارج‌گذاری چنین شخصیت‌ها که تاریخ گواه خدمات ارزنده ملی و فراقومی‌شان است، از سوی رهبران و دولت‌مردان در تحکیم وحدت ملی فوق‌العاده کمک خواهد کرد.

### جایگاه وحدت ملی در نظام فکری شهید وحدت ملی

همان طوری که اشاره شد وحدت ملی در افغانستان به

معنای پذیرش همه ملیت‌ها و اقوام ساکن در افغانستان به عنوان صاحبان اصلی این سرزمین به کار رفته است و همواره مورد تأکید شخصیت‌ها، نخبگان و رهبرانی که بنبیه‌های فکری ملی و فراقومی دارند، قرار گرفته است. بررسی تاریخ در حال منازعه کشورهای نشان می‌دهد که در شرایط ویژه و جنگی، معدود رهبرانی از این طرز تفکر برخوردارند. شهید عبدالعلی مزاری را در افغانستان می‌توان در طیف این‌گونه شخصیت‌ها یافت. نکته قابل توجه در مورد وی این است که او، در زمانی که می‌بایست عقده‌گشایی کند و بر جنگ تأکید ورزد، بر وحدت ملی تأکید کرد و آن را در افغانستان یک اصل پنداشت. در این قسمت به برخی از سخنان شهید مزاری در مورد وحدت ملی اشاره می‌شود. شهید مزاری در بخشی از

سخنانش در مورد عدم جنگ طلبی و وحدت ملی می‌گفت: «... ما با همه تنظیم‌ها [احزاب و جریان‌های سیاسی] سر جنگ نداریم، دوست هستیم؛ با همه ملت‌ها [ملیت‌ها و اقوام] سر دشمنی نداریم و دوست هستیم و وحدت ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانیم...» (مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

شهید وحدت ملی ضمن اشاره به کاهش دشمنی هزاره‌ها و پشتون‌ها و حمایت از سایر اقلیت‌ها به منظور تأکید بر وحدت ملی، هزاره‌ها (حزب وحدت) را حامی و پشتیبان کسانی می‌داند که به تمامیت ارضی و وحدت ملی در افغانستان فکر می‌کنند؛ شهید مزاری می‌گفت: «... هر کس روی تمامیت ارضی افغانستان [و] وحدت ملی افغانستان فکر بکند [و] کسی را حذف نکند، [ما آنان را قبول داریم]. ما تنها جریانی هستیم که در شورای قیادی از حقوق جنبش دفاع کردیم [و] در شورای جهادی [هم از حقوق جنبش] دفاع کردیم و گفتیم، تا حالا هم روی این موضع [خود] هستیم، ما دشمنی پشتون و هزاره را شصت درصدش را حل کردیم...» (همان: ۱۴۸).

شهید مزاری به این باور بود که هر کس برای نفاق و دشمنی ملت‌ها و اقوام سخن بزند، خائن ملی است. او دشمنی ملیت‌ها را در افغانستان، فاجعه بزرگ می‌خواند و بر

”

شهید وحدت ملی ضمن اشاره به کاهش دشمنی هزاره‌ها و پشتون‌ها و حمایت از سایر اقلیت‌ها به منظور تأکید بر وحدت ملی، هزاره‌ها (حزب وحدت) را حامی و پشتیبان کسانی می‌داند که به تمامیت ارضی و وحدت ملی در افغانستان فکر می‌کنند.

“

برادری و حقوق [برابر متناسب با نفوس] ملیت‌ها تأکید می‌ورزید (همان: ۱۴۹، ۸۷).

از سخنان و متون به جا مانده چنین بر می‌آیند که وحدت ملی در اندیشه شهید مزاری چنان ریشه‌دار، عمیق و مهم بوده است که انگار تمام کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی و نظامی‌اش حتی در حساس‌ترین شرایط جنگ‌های حزبی و تنظیمی، حفظ وحدت ملی یک اصل بوده است. شهید مزاری تصریح کرد که: «... ما این افتخار را داریم و حق داریم و در این جا افتخار می‌کنیم، برای این که وحدت ملی را ما به وجود آوردیم. چرا؟، از خاطر این که برادرهایی که در پشاور بود در سال ۶۷ ما را حذف کردند، در سال ۷۰ آمدند، ۷۱ باز ما را حذف کردند؛ ولی ما عقده‌یی برخوردار نکرديم.» (همان: ۱۴۸).

شهید وحدت ملی با بینش انسانی و اسلامی، بر خلاف جو معمول، عوامل ستم‌های تاریخی را فردی و خانوادگی می‌دانست، نه قومی و نژادی؛ و جهت تأکید بر حفظ وحدت ملی و همبستگی اقوام افغانستان، دشمنی‌های قومی و نژادی را رد می‌کرد. شهید مزاری می‌گفت: «... قدرت‌طلبی و انحصارطلبی یک تعدادی که خلاف مسیر اسلامی و انسانی رفتار می‌کنند، این متعلق به این نژاد و آن نژاد نیست و ما امروز باید تجدید نظر کنیم؛ درست است که عبدالرحمان ۶۲ فی صد مردم ما [هزاره‌ها] را از بین برده است؛ ولی عبدالرحمان و خاندان عبدالرحمان از بین برده است نه همه پشتون‌ها (همان: ۸۶).

شهید مزاری راه حل مشکلات و معضلات افغانستان را در نفی حذف، پذیرش و تفاهم با همدیگر می‌دانست که بر اساس اصول علم سیاست، با این شیوه و مکانیزم می‌توان به ملت‌شدن و یا وحدت ملی دست یافت. شهید مزاری: «... مسئله افغانستان وقتی حل می‌شود که مردم و احزاب همدیگر را تحمل نکنند، درصدد حذف یکدیگر نباشند، چه از نگاه اقوام، چه از نگاه احزاب [و] چه از نگاه مذاهب؛ ... راه حل برای [بحران و معضلات] افغانستان تفاهم است نه حذف یکدیگر.» (همان: ۱۴۷).

آن‌چه از شهید مزاری در مورد وحدت ملی سخن به میان آمد و نقل قول شد، گزیده‌ای از سخنان وی بود که در سخنرانی‌هایش در زمان جنگ‌های تحمیلی تنظیمی ایراد شده بود، زمانی که جو حاکم آن، اقتضای سخنانی به این صراحت و صداقت را در مورد وحدت و یکپارچگی افغانستان نمی‌کرد. این مسئله می‌تواند به این اشاره کند که شهید مزاری با این روحیه ملی‌اندیشی، در دورانی که علیه روس‌ها مشغول به جهاد بود، چقدر بر حفظ تمامیت ارضی و وحدت

ملی در افغانستان تأکید داشته است!

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وحدت و یکپارچگی در کشورها از عوامل مهم ثبات و توسعه در ابعاد مختلف آن به شمار می‌رود و از نیازهای اساسی جوامع و دغدغه‌های اصلی کارگزاران و نخبگان سیاسی آن است. بررسی و مطالعه تاریخ کشورها نشان می‌دهد که جنگ و جدال در هر کشوری کماکان وجود داشته است و ملت‌سازی، اتحاد و یکپارچگی و یا رسیدن به وحدت ملی، مسیر منحصر به فرد خود را طی کرده است؛ در این میان عده‌ای نقش پیش‌قراولان را در این عرصه ایفا کرده‌اند.

در افغانستان از شهید عبدالعلی مزاری می‌توان به عنوان فریادگر وحدت ملی نام برد؛ او که از رهبران جهاد و مقاومت افغانستان بود، وحدت ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانست و راه برون‌رفت از معضلات افغانستان را پذیرش یکدیگر و تفاهم می‌پنداشت. شهید مزاری نفاق را مردود دانسته و نفاق‌افکنان را خائن ملی خطاب می‌کرد؛ از نظر او دشمنی میان ملت‌ها و اقوام افغانستان، یک فاجعه بزرگ بود و تمام تلاشش را برای جلوگیری از آن کرد. آن‌چه شهید عبدالعلی مزاری را با سایر رهبران و شخصیت‌های هم دوره‌اش متمایز و برجسته می‌سازد این است که او گفتمان وحدت ملی را زمانی مطرح کرد که فرهنگ سیاسی آن زمان افغانستان با آن بیگانه و در شرایطی نبود که آن را درک و مد نظر داشته باشد. او برخلاف موج، در حرکت بود؛ به همین دلیل است که پس از سال‌ها به عنوان شهید وحدت ملی ملقب می‌شود و الگوی نخبگان سیاسی قرار می‌گیرد.

### منابع

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۱۶ق). معجم مقاییس اللغة، عبدالسلام هارون. مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۸۷). دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی). تهران: مروارید.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی). تهران: نگاه معاصر.
۴. عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
۵. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲.
۶. مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (۱۳۸۸). احیای هویت: مجموعه سخنرانی‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری. کابل: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان (سراج).
۷. معین، محمد (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی (چاپ دوازدهم). تهران.